

■ **واقعی بودن شخصیت‌های رمان جاده جنگ در باره دیگر قهرمان‌های کتاب هم صادق است؟**

بی‌اغراق بیش از ۹۵ درصد شخصیت‌ها واقعی هستند.

■ **حتی اسامی آنان؟**

بله، اغلب با اسامی واقعی‌شان در رمان حضور دارند؛ البته حضور یا حتی فعالیت‌های آنان بنا بر ضرورت‌های رمان قدری کم‌زیاد شده‌اند. اما اینکه هر کدام در داستان چه نقشی ایفا کرده‌اند بنا به نگاه خود من بوده است. به‌رحال نمی‌توان منکر این شد که در همه دنیا، رمان‌های برخاسته از تاریخ، صد درصد تاریخی صرف نیستند و خود نویسنده هم در چگونگی انعکاس آنها تأثیر بسزایی دارد.

■ **هم اکنون جاده جنگ به جلد چندم رسیده؟**

همان‌طور که اشاره شد نیمه نخست «جاده جنگ» منتشر شده، نیمه دوم آن هم با عنوان «گذرگاه» به جلد پنجم رسیده که برابر با جلد هفدهم مجموعه می‌شود. اتفاقاً این روزها مشغول نگارش این بخش رمان هستم.

■ **بخش دوم این مجموعه در بر دارنده وقایع جنگ تحمیلی است؟**

بله، در بخش نخست این مجموعه ماجراها از جنگ جهانی دوم آغاز شده و تا ۱۳۴۰، زمان ارتحال آیت‌الله بروجردی ادامه پیدا می‌کند که از آنجا تاریخ ایران وارد مرحله جدیدی می‌شود. نیمه دوم هم بر وقایع انقلاب و جنگ متمرکز شده است. البته من به غیر از «جاده جنگ» طی این سال‌ها آثار دیگری هم نوشته‌ام که از جمله آنها می‌توان به «بر فراز آشیانه عقا» اشاره کرد.

■ **همان نوشته‌تان که درباره وضعیت کردستان در دوره جنگ است؟**

بله، این کتاب شامل زندگینامه و خاطرات سردار شهید محمود کاوه است که در آن به وضعیت کشور در سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب و از سویی فداکاری‌های رزمندگان در کردستان هم پرداخته شده است. ۲ جلد آن منتشر شده، جلد سوم را هم نوشته‌ام که باید کار چاپ آن انجام شود. اما کتاب دیگری هم با عنوان «از عشق آباد تا عشق آباد» منتشر کرده‌ام که یک مستند تاریخی از واقعه‌ای در سال ۱۳۴۲ است، جلد سوم این رمان چاپ است.

■ **چرا به‌رغم آنکه از بخش دوم رمان جاده جنگ تا جلد شانزدهم را اتمام کرده‌اید هنوز کتابی منتشر نشده؟ از جلد دوازده به بعد هنوز شاهد انتشار کتابی از این مجموعه نیستیم!**

بحث زمان‌بندی انتشار کتاب‌های این مجموعه به عهده، «سوره مهر» ناشر کار است.

■ **چرا این مجموعه را تا ۲۴ جلد ادامه می‌دهید؟ بحث ثبت عنوان‌تان به نام نویسنده طولانی‌ترین رمان ایرانی است؟**

نه، شاید اگر جوان‌تر بودم این چیزها برای من هم جذاب بود، اما در سن من واز سویی تجربه‌ای که کسب کرده‌ام دیگر تنگ چیزی که مهم است بطن کار و انجام آن به بهترین شکل در میان است.

■ **در آخر از این بگوئید چه اتفاقی افتاده که طی سال‌های اخیر شاهد توجه نویسنده‌گان جوان به دفاع مقدس و انعکاس آن در قالب رمان و داستان کوتاه نیز هستیم، در صورتی که برای دهه‌ها در این عرصه عمده نوشته‌ها به خاطره نگاری محدود می‌شد؟**

خب بخشی از این دهم‌ها صرف تجربه اندوزی شده، بنابراین عجیب نیست که ببینیم خاطره‌نگاری بر دیگر قالب‌های نوشتاری ادبی غلبه داشته است. هر چند وجود آنها هم واجب است و حتی شاهد انتشار آثار ارزشمندی در حیطه خاطره‌نگاری هستیم. درباره ادبیات جنگ به همه نوع قالب نوشتاری نیاز داریم؛ شاید عده‌ای گمان کنند به‌اندازه کافی از دفاع مقدس گفته شده و درباره‌اش دیگران نوشته‌اند. اما شما به ادبیات کشورهای غربی و امریکایی نگاه کنید! هنوز که هنوز است طوری درباره جنگ جهانی دوم می‌ویسند و حتی فیلم می‌سازند که به آتنایی که تا کتیک دارند دوره نوشتن درباره جنگ و دفاع مقدس به‌سر آمده یادآور شوم که هنوز کار چندانی نکرده‌ایم و بی‌هیچ تعارف و اغراقی تازه در ابتدای راه هستیم.

تصادفی در جریان انتشارش قرار گرفته‌اند. امیدوارم بعدها مخاطبان بیشتری این کتاب را بخوانند و شناخته شود.

■ **بحث نبود اطلاع رسانی کافی به میان آمد؛ اغلب نویسندگان دفاع مقدس و انقلاب معتقدند که خاطره نگاری‌های این دو حوزه از شانس بیشتری برای دیده شدن برخوردار هستند تا مجموعه داستان‌ها و از سویی رمان‌ها. شما هم به این گفته معتقدید؟**

بله، هر چند که منکر اهمیت هیچ یک از اینها نیستم اما تأکید دارم که همه این کتاب‌ها باید فرصت برابری برای دیده شدن پیدا کنند؛ هر چند که این ضعف تنها شامل کتاب‌های حوزه دفاع مقدس و انقلاب نیست، به‌نوعی همه بخش‌ها را شامل می‌شود. با این حال بیشترین آسیب را این کتاب‌ها متحمل شده و می‌شوند. ای کاش توجه بیشتری به رمان‌های تاریخی شود چرا که اینها تاریخ را به قلب خانه‌های اکثریت مردم کشانده و آن را ماندگاری کنند.

■ **تألیف این مجموعه تا چه اندازه متکی بر مطالعه مستندات است؟**

نه تنها مطالعه مستندات در شکل‌گیری آن نقش جدی داشته بلکه افزون بر آثار مکتوب و مستندات تاریخی به سراغ تحقیقات میدانی و مصاحبه با افراد مختلف هم رفته‌ام. تاجایی که آثار تاریخی- ادبی مرتبط در مطالعه کرده‌ام این مسأله، تفاوت مهم «جاده جنگ» با نوشته‌های دیگر است. مطالب منتشر شده به‌اندازه کافی نبود. بنابراین به سراغ افرادی رتم که به‌رغم سن و سال زیاد هنوز آن دوره را به خاطر داشتند، افرادی که وقایع مورد نظر را دیده بودند. به لطف برخورداری از این تاریخ شفاهی، مخاطبان در «جاده جنگ» با اطلاعاتی روبه‌رو می‌شوند که بسیاری از آنها شاید پیش‌تر حتی منتشر هم نشده باشند.

■ **در این رمان شما برهه‌ای از تاریخ را انتخاب کرده‌اید که کشورمان فراز و فرودهای سیاسی و از سویی تحولات بسیاری را به خود دیده، باتکیه بر این ساله در مسیر کسب اطلاعات لازم با چه مشکلاتی روبه‌رو شدید؟**

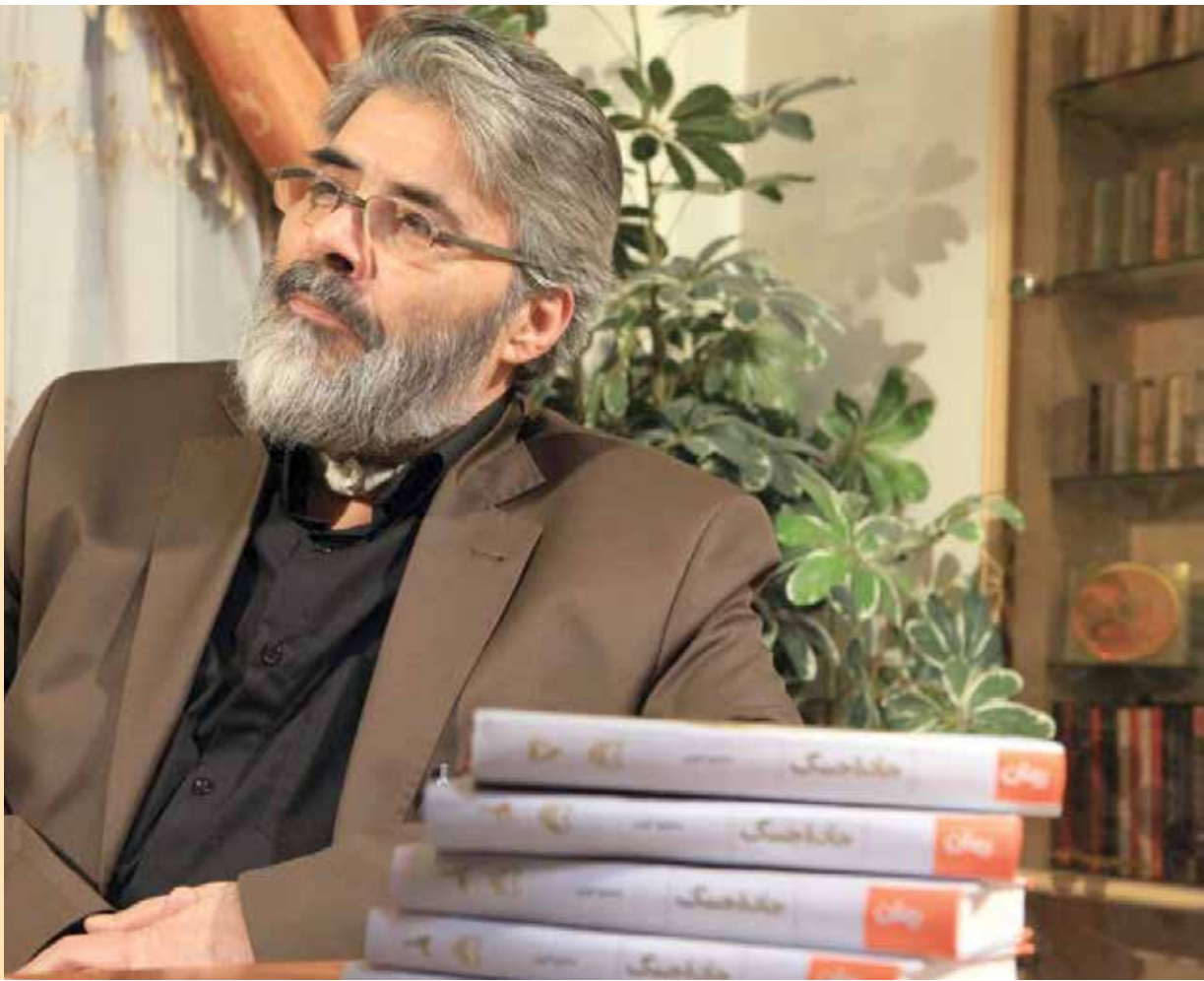
هر گاه که مراجعه به سازمان‌ها یا افراد ضروری بود با همکاری‌های خوبی روبه‌رو شدم اما مشکل اصلی ام این بود که درباره بسیاری از مسائلی که خواهان کسب اطلاعات درباره آنها بودم نکات کافی در دست نبود. نمی‌دانم شاید از بس خالصانه و با علاقه زیاد سراغ تألیف این رمان رفتم هرگز سختی‌ها به من غلبه نکرد و گرنه موانع نبودند اما خوشبختانه هر دفعه به طریقی قادر به عبور از آنها می‌شدم و کار هرگز متوقف نشد. من حتی به سراغ پایان‌نامه‌های دکترین دانشگاه‌ها در رشته تاریخ هم رفتم اما در آنها هم مسائل مورد نظر می‌نبود. بگذراید به نمونه‌ای اشاره کنم که اطلاع از آن برای خود من بسیار راه‌آهن تهران - مشهد در جنگ جهانی دوم تا کجا بوده نداشتیم. تصور خردم بر این بود که این راه‌آهن از تهران تا مشهد برقرار بوده، بخشی از داستان نیز بر همین مبنا پیش رفت تا اینکه طی یکی از همین مطالعات میدانی متوجه شدم راه‌آهن آن زمان تا مشهد نبوده؛ همین سرنخ سبب شد که تحقیق بیشتری انجام بدهم. برای کشف اینکه راه‌آهن تا شاهرود بوده ناچار به جست‌وجوی زیادی شدم، حتی خود مسئولان راه‌آهن هم اطلاعی در این رابطه نداشتند تا اینکه در نهایت از طریق دوست بسیار باسواد ی پاسخ سوالم را پیدا کردم. این جزئیات در بی‌برن به چرایی اهمیت جاده مورد نظر بسیار مهم بوده است. اینها مواردی است که در گفت‌وگو با افراد به اوضاع آن روزها را با من در میان گذاشت. از همین بابت است که تأکید دارم اگر برای علاقه در میان باشد سختی‌ها توان آدم را نمی‌گیرد. گاهی در مسیر این برد می‌تابند مطالبی دست پیدا می‌کردم که کمتر به اطلاع‌ی درباره آنها نداشتیم و این آنقدر لذت‌بخش بود که سختی کار را در نظر کم‌رنگ‌تر می‌کرد.

از حد تحمل شانه‌های نحیفش. نویسنده علاوه‌بر مشخص کردن مسأله داستان در همان فصل نخست، شخصیت‌های جنگ فقط به اصلی را هم معرفی می‌کند. کسانی که بیشترشان دیگر زنده نیستند، اما تا پایان داستان حضور دارند و در غم‌ها و شادی‌ها همراه راوی‌اند. زاویه اول شخص انتخاب خوبی است که تأثیر احساسی داستان را بیشتر کرده و امکان همدات‌پنداری به خواننده داده است. مهم‌ترین تکنیک به‌کاررفته در رمان رفت‌ووبرگشت است که با کمک پل‌های تداعی اجرا شده است. روایت خطی نیست. ذهن پریشان راوی مدام در سیلان است. بخشی از داستان از



مریم شهبازی خبرنگار

در زمانه‌ای که برخی دوره رمان‌های حجیم را به‌سر آمده می‌دانند «منصور انوری» سراغ «جاده جنگ» رفته؛ البته حالا که نه، سال‌ها قبل تألیف آن را شروع کرده است؛ زمانی که قرار است ۲۴ جلدی شود و تا به اینجا که نیمه نخست آن در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته، انوری موفق به کسب جوایز متعددی از جمله جایزه جلال شده، آن‌هم تا وقتی که این رویداد ادبی هنوز عنوان گران‌ترین جایزه فرهنگی سراسر کشور مان را داشت. این نویسنده و پژوهشگر در «جاده جنگ» درباره تاریخ پرفراز و نشیب نیم قرن اخیر کشورمان نوشته، آنچنان که دوازده جلد نخست آن با حمله متفقین به کشورمان طی جنگ جهانی دوم شروع می‌شود و در اوایل دهه چهل هم پایان می‌یابد، اما در نیمه دوم رمان به واقعه انقلاب و از سویی جنگ تحمیلی عراق پرداخته است. او در حالی سراغ تألیف رمانی برخاسته از تاریخ رفته که تا به امروز مسیر دشواری را جهت دستیابی به اطلاعات تاریخی و مستندات مکتوب جلدی پشت سر گذاشته است. با این حال گلایه‌ای ندارد و حتی تأکید دارد عشق که باشد سختی‌ها رنگ می‌بازند. درباره این رمان تاریخی گفت‌وگو با منصور انوری را بخوانید.



گفت و گو با منصور انوری، پژوهشگر و نویسنده «جاده جنگ» طولانی‌ترین رمان ایرانی

بدون ادبیات، تاریخ مردمی نمی‌شود

نمونه‌هایی از این دست میان آثار شاخص ادبی جهان بسیاریند. بعد از وقوع انقلاب مدت‌ها منتظر ماندم اما دیدم خبری از خلق چنین رمانی در بین نوشته‌های پیشکسوتان ادبیات خودمان نیست، البته آثار داستانی متعددی با مضمون انقلاب منتشر شده اما پرداخت آنها، در بردارنده نگاه جامعی نبود. بنابراین خودم دست‌به‌کار شدم، امیدوارم حاصل نهایی کار برای خوانندگان و منتقدان ادبی جایگاه قابل تأملی داشته باشد. تنها برای نیمه نخست این رمان، که برابر ۱۲ جلد است حدود بیست سال زمان صرف کرده‌ام.

■ **این رمان ۲۴ جلدی به واقعه انقلاب اختصاص دارد؟**

تاریخ تقریباً پنجاه سال از کشورمان را شامل می‌شود، دوره‌ای که از منظر اتفاقات سیاسی برهه‌ای بسیار پرالتهاب به‌شمار می‌آید. در این دوره تاریخی ایران با جنگ‌هایی همچون جنگ جهانی دوم و بعدتر هم وقایع انقلاب اسلامی روبه‌رو می‌شود که پایان آن نیز با آغاز جنگ تحمیلی مصادف است. این محدوده زمانی تقریباً نیم قرن تاریخ معاصرمان را در برمی‌گیرد، البته علاوه بر مسائل تاریخی، در جاده جنگ به آداب و رسوم و فرهنگ عامه یا فولکلور مناطق مختلف پرداخته شده است. از زندگی عشایر گرفته تا قومیت‌هایی که مشخصه‌های بارز آنها در گذر زمان در حال فراموشی هستند.

■ **پیش‌تر تأکید کرده‌اید که جاده جنگ سافارشی نیست، در شرایطی که برای نیمی از آن حدود ۲۰ سال صرف کرده‌اید نگران نبودید که بدون حمایت‌قادر به اتمامش نباشید؟**

«جاده جنگ» سفارشی نبود اما از اینکه بدون حمایت متولیان فرهنگی قادر به ادامه این رمان تا پایان آن نشوم هم نگران نبودم، البته از حق نگذرم حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی «سوره مهر» تا حد امکان همراهی‌ام کردند. توفیق تألیف این رمان برای من نوعی ادای دین به دلاوری‌های مردم کشورمان نیز است. هدفم ثبت لحظات مرتبط با این واقعه تاریخی مهم بود که برای ضبط آن در ادبیات‌مان تلاش بسیاری به خرج داده و خواهم داد؛ در گذر نسل‌ها و جایگزین شدن آنان با آیندگان اگر کاری برای ثبت اتفاقات این چنینی انجام نشود نسل جوان با ابهام و سوالات بسیاری روبه‌رو می‌شوند. به‌گونه‌ای که ثبت آن‌ها به شکل رمان منجر در صورتی که ثبت آن‌ها به شکل رمان منجر

و طولانی به پیروزی‌هایی بزرگ دست‌یافتیم. در این بین از نقش‌نیا نگذار کبیر انقلاب هم نمی‌توان صرف نظر کرد، حضرت امام خمینی (ره) آنقدر خالصانه بر سر اعتقادات خود ایستادند که توانستند همراهی مردم را به بهترین شکل داشته باشند.

■ **چرایی آغاز رمان از خراسان به این بازمی‌گردد که متفقین از شمال شرقی وارد ایران می‌شوند؟**

بله. همین طور است. ■ **نه تنها آغاز این رمان، بلکه پایان آن نیز به خراسان ختم می‌شود، تأکیدی که بر این خطه دارید بر خاسته از علاقه‌مندی به زادگاه خودتان است یا بیشتر بحث دلایل تاریخی در میان بوده؟**

خب این‌که متولد نیشابور هستم به‌طور قطع در این انتخاب نقش داشته، البته نه از جهت تعصب، بلکه بابت شناخت بیشتری که نسبت به این جغرافیا و حتی وقایع تاریخی و نقش آفرینی‌های ساکنان آن دارم، اما نکته‌ای که نقش بسیار مهمی در انتخاب داشته به جاده‌ای باز می‌گردد که نقشی حیاتی در آن دوران برای کشورمان ایفا می‌کرده است. در جنگ جهانی دوم، تلاش برای دستیابی به این جاده سبب اشغال کشورمان شد. آمریکا وقتی در این جنگ به کمک متفقین رفت، شوری از نظر آذوقه و مهمات با کمبود زیادی روبه‌رو بوده و نیازمند همراهی هم‌پیمانان خود شد، البته متفقین هم شوری را دشمن خود می‌دانسته‌اند اما در آن زمان برای برخورداری از جبهه وسیع روسیه برای شکست آلمان دست به این همکاری می‌زنند. برای کمک به شوری، کشتی‌های حامل مواد غذایی و مهمات را به بنادر جنوبی کشورمان می‌رساندند و از آنجا با قطار تا شاهرود می‌آوردند و ادامه مسیر را هم با کامیون‌های بزرگ امریکایی می‌بردند. کامیون‌ها از راه میانبری به قوچان، بعد هم عشق آباد و از آنجا هم به جبهه جنگ در شوری سابق می‌رسیدند. این بود که جاده مذکور نقش مهمی داشته است.

■ **در سطرهایی قبلی از این گفتید که در خلال انعکاس وقایع تاریخی- سیاسی به فرهنگ عامه هم توجه کرده‌اید. نگران نبودید که توجه به این مقوله، روایت اصلی رمان را تحت تأثیر قرار داده و حتی تعادل میان آنها را برهم‌زنند؟**

به ماندگاری هر چه بیشترشان می‌شود؛ شبیه اتفاقی که نمونه‌های مشهوری از آن را درباره دیگر کشورها و انقلاب آنها گفتم، البته این‌ها در قالب آثار تاریخی هم ثبت می‌شوند اما مخاطبان آن کتاب‌ها اغلب متخصصان تاریخ و علاقه‌مندان جدی هستند. وقتی ادبیات به کمک تاریخ بشتابد عموم مردم می‌توانند از اطلاعات تاریخی بهره‌مند شوند.

■ **چرا از سال ۱۳۲۰، زمان اشغال ایران طی جنگ جهانی دوم، حدود سی سال قبل از پیروزی انقلاب شروع کرده‌اید؟ این جنگ و وقایع بعد از آن را به‌عنوان پیش‌زمینه‌های وقوع انقلاب آورده‌اید یا چون به‌هر حال اتفاقات مهم دوره معاصرمان هستند از آنها صرف‌نظر کرده‌اید؟**

به نکته خوبی اشاره کردید. «جاده جنگ» را از حدود سی سال زودتر از پیروزی انقلاب شروع کرده‌ام تا در وهله نخست مقایسه‌ای میان دو جنگ مهمی شود که در این نیم‌قرن ناخوسته درگیر آنها شده‌ایم: جنگ جهانی اول که دور از زمان «جاده جنگ» است، اما جنگ جهانی دوم نزدیک‌تر است که حوادث بسیاری را در برمی‌گیرد، البته علاوه بر مسائل تاریخی، در جاده جنگ به آداب و رسوم و فرهنگ عامه یا فولکلور مناطق مختلف پرداخته شده است. از زندگی عشایر گرفته تا قومیت‌هایی که مشخصه‌های بارز آنها در گذر زمان در حال فراموشی هستند.

■ **پیش‌تر تأکید کرده‌اید که جاده جنگ سافارشی نیست، در شرایطی که برای نیمی از آن حدود ۲۰ سال صرف کرده‌اید نگران نبودید که بدون حمایت‌قادر به اتمامش نباشید؟**

«جاده جنگ» سفارشی نبود اما از اینکه بدون حمایت متولیان فرهنگی قادر به ادامه این رمان تا پایان آن نشوم هم نگران نبودم، البته از حق نگذرم حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی «سوره مهر» تا حد امکان همراهی‌ام کردند. توفیق تألیف این رمان برای من نوعی ادای دین به دلاوری‌های مردم کشورمان نیز است. هدفم ثبت لحظات مرتبط با این واقعه تاریخی مهم بود که برای ضبط آن در ادبیات‌مان تلاش بسیاری به خرج داده و خواهم داد؛ در گذر نسل‌ها و جایگزین شدن آنان با آیندگان اگر کاری برای ثبت اتفاقات این چنینی انجام نشود نسل جوان با ابهام و سوالات بسیاری روبه‌رو می‌شوند. به‌گونه‌ای که ثبت آن‌ها به شکل رمان منجر در صورتی که ثبت آن‌ها به شکل رمان منجر

■ **قبل از هر سؤالی از این بگوئید که ادامه «جاده جنگ» تا ۲۴ جلد را برای خوانندگان امروزی که اغلب رمان‌های خلاصه و کم صفحه‌را ترجیح می‌دهند زیاد نیست؟ به نظر می‌رسد با توجه به شرایط فعلی نشر و حتی مخاطبان ریسک کرده‌باشید!**

نه، ریسک نکردم و گفته‌هایی از این دست را که مردم دیگر رمان‌های طولانی نمی‌خوانند هم قبول ندارم. برعکس من معتقدم رمان خوب و برخوردار از استانداردهای لازم با استقبال خوانندگان روبه‌رو می‌شود، حالا اثری طولانی و حجیم باشد یا به قول شما خلاصه! و گرنه ممکن است رمانی کوتاه، حتی کمتر از ۲۰۰ صفحه هم از سوی علاقه‌مندان نادیده گرفته شود.

■ **نیمه نخست رمان «جاده جنگ»، یعنی ۱۲ جلد آن منتشر شده است، اطلاعی از چگونگی استقبال مخاطبان دارید؟**

بله، اتفاقاً بررسی مختصری در این زمینه داشته‌ام و تا حدی در جریان افشار مختلفی که آن را خوانده‌اند هم هستم. جالب است با اینکه در این رمان چند جلدی با موضوعی تاریخی و جدی مواجه هستیم، اما از نوجوان چهارده‌ساله تا مخاطب کهنسال آن را مطالعه کرده‌اند، البته نه فقط درباره رمان من، هر نوشته خوب دیگری هم قادر است مخاطبان بسیاری جذب کند. اینجا بحث همان گفته شاید تکراری در میان است که کتاب خوب را خود را پیدا می‌کند. درباره خود ما اهالی کتاب هم این مسأله صادق است؛ بارها پیش آمده که کتابی را به نیمه نرسانده رها کرده‌ام، اما برای نوشته دیگری حتی از وقت کارهای روزم‌راه تا حد ممکن زده‌ام.

■ **«تاریخ جنگ» به خاسته از تحولات سیاسی برمه قابل توجهی از کشورمان است، چرا سراغ چنین موضوعی رفتید؟**

به اغلب کشورهایی که همچون ما انقلابی را پشت سر گذاشته‌اند نگاه کنید. انقلاب آنان به طور جدی در قالب ادبیات داستانی‌شان هم ثبت شده است. همه این کشورها رمان‌های مخصوص انقلاب‌های خود را دارند. رمان مشهور بنیواییان «ویکتور هوگو» به‌نوعی منعکس‌کننده انقلاب فرانسه است؛ «ذن آرام» «میکسائیل شولوخف» هم در واقع رمان انقلاب روس‌ها، شوری است و «برباد رفته» «مارگارت میچل» نیز جنگ داخلی بین شمال و جنوب امریکا را نشان می‌دهد.

نگاهی به رمان «روی آتش، طعم دود» نوشته مونیکا شاهیان

بزرگ شدن در سال‌های جنگ

مریم شیرازی نویسنده و مترجم

رمان «روی آتش، طعم دود» نوشته مونیکا شاهیان، یکی از آثار تازه منتشره در حوزه ادبیات دفاع مقدس است که به زندگی یک زن تنها در شرایط جنوب کشور می‌پردازد. در این اثر، نویسنده خیلی زود، یعنی از همان سطرهای نخست، قرار داد خوانش را با خواننده منعقد و تکلیف او را مشخص می‌کند و با ساختن فضا می‌گوید: «تو با یک داستان جنگی طرف هستی»، پیشگویی موفق باعث می‌شود خواننده همراه را راوی



از طرف دیگر بیرون زده. می‌لرزم. دوروبرم را نگاه می‌کنم. یک انگشت هم آنجاست. یک کفش. استخوانی سفید از توی آن بیرون زده... جنگ در مکانی ناآشنا رخ

باز پیرتر کرد. او آگاه است که این مکان آشنا و فجاییعی که بر آن رفته سطح توقع خواننده را بالا می‌برد. پس با آمادگی کامل و دست پر حوادث را بازسازی و داستانش را تعریف می‌کند. داستان مریمی، یا به بیان بهتر، مریم‌هایی که صبح همه چیز دارند و بعد از ظهر هیچ. مریم تازه دارد طعم زندگی و عشق را می‌چشد که دنیایش دگرگون می‌شود. نه تنها عشق، تکیه‌گاه، عزیزان و دلخوشی‌هاش را از دست می‌دهد، بلکه چند کودک بی‌کس‌تر از او هم وپال گردن می‌شود. دختری که حتی بلد نیست برای نوزاد شیرخشک درست کند می‌ماند با مسئولیتی بسیار سنگین‌تر

از حد تحمل شانه‌های نحیفش. نویسنده علاوه‌بر مشخص کردن مسأله داستان در همان فصل نخست، شخصیت‌های جنگ فقط به اصلی را هم معرفی می‌کند. کسانی که بیشترشان دیگر زنده نیستند، اما تا پایان داستان حضور دارند و در غم‌ها و شادی‌ها همراه راوی‌اند. زاویه اول شخص انتخاب خوبی است که تأثیر احساسی داستان را بیشتر کرده و امکان همدات‌پنداری به خواننده داده است. مهم‌ترین تکنیک به‌کاررفته در رمان رفت‌ووبرگشت است که با کمک پل‌های تداعی اجرا شده است. روایت خطی نیست. ذهن پریشان راوی مدام در سیلان است. بخشی از داستان از